

نظام بانکی نیازمند تحولی زیربنایی

مصاحبه با حجة الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم

وهاب قلیچ*



مقدمه

آیا قبل از اعلام ریاست محترم جمهور مبنی بر تحول نظام بانکی به عنوان یکی از هفت طرح تحول اقتصادی، مطالعه و پژوهشی جدی برای اصلاح نظام بانکی صورت گرفته بود؟

پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲، انتقادات زیادی در مورد خود قانون و عملکرد آن صورت پذیرفت. تا آنجا که بنده خبر دارم برای این قضیه سه دسته مطالعه اساسی صورت گرفته است: یکی در مرکز پژوهش‌های مجلس، که از ۲-۳ سال اخیر شروع

پس از شروع موفقیت‌آمیز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در سال جاری به عنوان یکی از هفت طرح تحول اقتصادی، گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر شروع اصلاح نظام بانکی کشور، به عنوان دومین گام از این طرح بزرگ اقتصادی، در سال ۱۳۹۰ قوت گرفته است. از این رو، مصاحبه‌ای با حجة الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، رئیس کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی در مجلس شورای اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) صورت گرفته است که در ادامه بدان می‌پردازیم.

* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی.

در نظام بانکداری ما به هیچ عنوان کار زیربنایی نشده و اصلاحات، بیشتر ظاهری و صوری بوده‌اند

زیربنایی نشده و اصلاحات، بیشتر ظاهری و صوری بوده‌اند. کارمزد را به جای بهره قرار داده و عنوان و اسم عملیات بانکی را عوض کرده‌اند. البته این موارد برای مرحله اجرا است ولی قانون بانکداری ناپیستی به نحوی باشد که بتوان به غلط از آن استفاده نمود و این، به نوعی، ضعف قانون به شمار می‌آید. مسأله مهمی که بین مردم به وجود آمده و به فقها و مراجع تقلید نیز منتقل شده است، ابهام در پرهیز از ربا و صوری عمل کردن عملیات بانکی است. شواهد و قرائن حاکی از آن است که برخی از متعهدین، به علت وجود این ابهام ترجیح داده‌اند، وارد معاملات بانکی نشوند. حتی گزارش شده است که در بسیاری از مناطق سنی‌نشین کشور، به علت شبهه شرعی، استقبال از خدمات بانکی بسیار اندک است. مسلماً این به معنای ناکارآمدی نظام فعلی است. علاوه بر این موارد، حسابداری بانکی ما نیز دچار مشکل و شبهه بوده و به نوعی ربوی است. به عنوان نمونه سپرده‌های سرمایه‌گذاری در ستون بدهی‌ها لحاظ می‌شوند حال آنکه اینها از جنس بدهی بانک به سپرده‌گذاران نیستند بلکه به نوعی سهام افراد در سرمایه‌گذاری بانک می‌باشند.

باید متوجه باشیم که غیر از قانون و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، که همگی نیازمند اصلاح و تقویت هستند، نظام اجرایی بانک‌ها نیز دچار چالش است. البته این ایراد تنها متوجه شعب بانک‌ها نیست و نباید تمام تقصیرها را، غیرمنصفانه، به گردن شعب انداخت. ساختار نظام بانکی ما در بعد کلان دچار مشکل است و اثرات منفی‌اش را در بعد خرد بروز داده است.

بنا بر گفته شهید صدر در کتاب «البنک لا الربوی فی الاسلام»، اصلاح نظام بانکداری از لحاظ تطابق با شریعت، می‌تواند در قالب دو الگو طرح‌ریزی شود، الگوی اول یک تحول زیربنایی است که معتقد است نظام بانکی باید به طور اساسی و زیربنایی اسلامی شود و به نوعی نظام‌سازی اسلامی برای بانک‌ها به وجود آید؛ الگوی دوم یک تحول روبنایی است که بیان می‌کند با حفظ چارچوب‌های موجود، نوعی بانکداری رواج یابد که لااقل

شده و ظاهراً الان به پایان رسیده است، یکی توسط بانک مرکزی و دیگری توسط بانک ملی. در بانک مرکزی گروهی به مدیریت جناب آقای میرجلیلی مسئول مقایسه و ارزیابی نتایج این سه دسته مطالعه و تدوین یک نسخه واحد برای طرح تحول نظام بانکی شده‌اند. جناب آقای مهندس مظفر، که اکنون مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی هستند، نیز در این زمینه کاری در دست دارند.

شما چقدر از نواقص نظام فعلی را از ناحیه قانون بانکداری بدون ربا می‌دانید؟ آیا در این طرح، قانون بانکداری بدون ربا نیازمند بازبینی و اصلاح است؟

قرار بود قانون بانکداری بدون ربا یک قانون پنج‌ساله باشد و بعد از آن مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرد که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. این قانون در زمان تصویبش قانون خوبی بود، اما ضعف‌هایی هم داشت. البته نه به این معنا که این قانون مخالف شریعت است، زیرا در آن زمان بررسی‌های کاملی از این حیث بر روی آن انجام شد و بررسی‌های ما نیز نشان می‌دهد که این قانون مشکل شرعی ندارد، اما نقاط ضعفی دارد که باید مورد توجه قرار گیرند؛ از جمله اینکه این قانون در همان زمان تصویب هم ابزارهای جدید پولی و مالی را - که تا آن وقت در نظام‌های اقتصادی دنیا مطرح بود - مورد توجه قرار نداده بود. در این سال‌ها نیز نوآوری‌هایی در عرصه جهانی بروز و ظهور داشته‌اند که بایستی حتماً در قانون مورد بررسی قرار گیرند. همچنین مواردی هم بعداً به قانون و مقررات بانکی افزوده شد که نیاز به رفع ایراد دارند. در کل می‌توان گفت قانون فعلی بانکداری بدون ربا، به روز و فراگیر نیست؛ وضعیت ما را پس از گسترش بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری روشن نمی‌سازد؛ بعد نظارتی بانک مرکزی که بسیار نیازمند تقویت است، چندان در آن دیده نشده؛ نسبت به ابزارهای مالی اسلامی کم‌توجه است؛ و همچنین، نقش حاکمیتی بانک مرکزی و مسیر حرکت به سوی استقلال را در خود جای نداده است.

به نظر شما مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی که لازم است در طرح تحول نظام بانکی مورد توجه قرار گیرند، کدام‌اند؟

مهم‌ترین چالش نظام بانکی کشور این است که بر بانکداری ربوی بنا شده و تنها سعی شده با یکسری اصلاحات ظاهری آن را با شرایط جامعه اسلامی همراه کنند. در نظام بانکداری ما به هیچ عنوان کار

باید متوجه باشیم که غیر از قانون و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، که همگی نیازمند اصلاح و تقویت هستند، نظام اجرایی بانک‌ها نیز دچار چالش است



پذیرش مردم هیچ مانعی نداریم. به طور حتم نظام بانکداری اسلامی پس از توجیه مردم و پاسخگویی به پرسش‌های آنان با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو خواهد شد. من مشکل اصلی را در اینجا نمی‌بینم؛ به نظرم مشکل اصلی در نظام آموزش دانشگاه‌ها است. به عقیده من اگر آموزش دانشگاهی درست شود، مشکل بانکداری هم، تا حد زیادی رفع می‌شود. در وضعیت فعلی در دانشگاه‌های ما درس‌های مرتبط با مباحث بانکداری، چندان کارآ نیستند و ما وظیفه داریم در کنار نظام بانکداری متعارف، مسائل بانکداری اسلامی را هم به بهترین نحو، به دانشجویان آموزش دهیم. امروزه بسیاری از آموزش‌های دانشگاهی ما، چه در درس پول و بانکداری و چه درس اقتصاد کلان در فصل‌های مرتبط با بانکداری، بدون آنکه اشاره مناسبی به مقوله بانکداری اسلامی داشته باشند؛ تنها معطوف به همان سازوکارهای نظام بانکداری ربوی‌اند. علی‌رغم وجود تألیفات قوی در حوزه بانکداری اسلامی، متأسفانه کتب اندکی از این دست به عنوان منبع درسی در دانشگاه‌های ما مورد استفاده قرار می‌گیرند. البته ما در گذشته پژوهشی را در این خصوص در کشور انجام داده‌ایم که نشان می‌دهد

شبیه ربوی نداشته باشد و از حیث قوانین و مقررات، عملیات بدون ربا را دربرگیرد. به نظر شما در وضعیت فعلی و با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود، در طرح تحول نظام بانکی کدام یک از این دو نوع اصلاح را می‌توانیم مورد توجه قرار دهیم؟

اگر الان در آغاز پیروزی انقلاب بودیم، باید در کوتاه‌مدت یک اصلاحات جزئی انجام می‌دادیم. اما امروز پس از گذشت ۳۲ سال دیگر جای این سخن نیست. من معتقدم امروز باید به دنبال تحقق بانکداری اسلامی با تمام جوانبش به جای بانکداری بدون ربا باشیم. نظام بانکداری ما باید در رفع فقر به کمک اقتصاد بشتابد و بانک‌ها نباید صرفاً یک بنگاه اقتصادی با قالب شرعی باشند. وجوه قرض‌الحسنه که امروزه در بانک‌ها جهت سرمایه‌گذاری استفاده می‌شوند، باید برای رفع احتیاجات مردم نیازمند در زمینه‌های ازدواج، تهیه مسکن، اشتغال، درمان بیماری، تحصیلات و آموزش مورد بهره‌برداری قرار گیرند. طبق بررسی‌ها این نوع از نیازهای مردم حداکثر حدود ۲۰ درصد وجوه بانکی را شامل می‌شود و بقیه وجوه بانک‌ها جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی استفاده می‌شوند. بانک‌ها باید بپذیرند که سود فعالیت‌های اقتصادی بین سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران و بانک‌ها توزیع شود و اگر چنین شود همگی از این اقدام منتفع می‌شوند. بازار پول متصل به بازار کالاها و خدمات است، رونق یکی باعث رونق دیگری و رکود یکی باعث رکود دیگری می‌شود. همین‌طور افزایش و کاهش سود بنگاه‌های اقتصادی و نظام بانکی هم باید همسو با هم باشد. از این رو بایستی با یک تحول و اصلاح زیربنایی، سود پول به کلی از نظام بانکی ما حذف شود و سود بانکی صرفاً از بخش واقعی اقتصاد تأمین گردد.

طبق گزارش بانک مرکزی که آبان ماه امسال منتشر شد، ۶۹/۷ درصد افراد در مورد عقود اسلامی چیزی شنیده‌اند، ۱۷ درصد شنیده‌اند ولی معنای آن را نمی‌دانند و تنها ۱۳/۳ درصد افراد بوده‌اند که آن را شنیده‌اند و معنی آن را هم می‌دانند.^۱ با توجه به این وضعیت عمومی و نیز توانایی‌ها و ظرفیت‌های کارشناسی نظام بانکی کشور، آیا تحول زیربنایی در راستای اجرایی‌شدن بانکداری اسلامی را امکان‌پذیر می‌دانید؟

به نظر من، بله امکان‌پذیر است. پایین‌بودن آگاهی جامعه از نظام بانکداری اسلامی را می‌توان با آموزش عمومی حل کرد. ما از ناحیه

در این حوزه به شدت ضعف داریم و نیازمند اصلاح و تحول اساسی می‌باشیم.^۲ امروزه، خصوصاً پس از بحران مالی اخیر در جهان، شاهد رشد مباحث بانکداری و مالیه اسلامی هستیم. بنابراین باید الگوهای بانکداری اسلامی اجرا شده در جهان را در دانشگاه‌های خود مورد بحث و تدریس قرار دهیم.

از آنجا که پیش‌بینی می‌شود سال ۱۳۹۰ سال شروع طرح تحول نظام بانکی باشد، به نظر شما اولین گام‌های اجرایی چه می‌تواند باشد؟

گام اول، راه‌اندازی بانک‌ها و یا حتی شعب نمونه به طور محدود، جهت اجرایی‌نمودن بانکداری اسلامی در کشور است. با این اقدام، مردم به وضوح آثار و برکات بانکداری اسلامی را مشاهده خواهند نمود و تقاضای جامعه برای این دسته از خدمات افزایش می‌یابد. ما باید الگوی کاملی از بانکداری اسلامی را، ولو به‌طور محدود، راه‌اندازی نماییم. گرچه ممکن است هزینه‌هایی هم داشته باشد، اما به اعتقاد بنده با وجود این هزینه‌ها، باز هم این اقدام به صرفه و مفید است. ما نباید اشتباه بزرگی را که در سال‌های ابتدایی تصویب قانون بانکداری بدون ربا انجام دادیم، دوباره تکرار کنیم. در آن زمان بدون هیچ مقدمه‌ای، همه بانک‌های کشور را مشمول قانون عملیات بانکداری بدون ربا کردیم و نتیجه‌اش این شد که بانک‌های ما روز به روز از آنچه باید باشند، فاصله گرفتند.

برخلاف کشور ما، در اکثر کشورهای اسلامی به مقوله نظارت شرعی اهمیت بسیاری داده می‌شود. این خلأ در بسته‌های سالانه نظارتی - سیاستی بانک مرکزی نیز مشاهده می‌شود. لطفاً نظر تان را در این مورد بفرمایید.

در بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی، شورایی به نام شورای شریعت وجود دارد که متولی دو کار اساسی است: اول آنکه مقررات نظام بانکی را با شریعت مقدس مطابقت داده و در صورت بروز مشکل، راه‌حل و جایگزین‌هایی را پیشنهاد می‌دهد. وظیفه دوم که غیر از بانک مرکزی

در شعب بانک‌ها نیز اجرا می‌شود، نظارت شرعی بر قراردادهاست. این شوراها از قاطعیت بالایی برخوردارند و به محض مشاهده عملکردی مخالف با اصول شریعت، سریعاً آن را متوقف می‌سازند.

متأسفانه نظام بانکی ما به بهانه وجود شورای نگهبان، خود را از داشتن شورای شریعت مستغنی می‌داند. بدیهی است شورای نگهبان کارکرد این شورا را ندارد. شورای نگهبان یک نوع صافی است که قوانین مصوب را با شریعت اسلامی و قانون اساسی مطابقت می‌دهد. وظیفه شورای نگهبان طراحی و ارائه راهکارها و ابزارهای نوین و جایگزین نیست. در حال حاضر جای خالی چنین شورایی در بانک مرکزی به شدت احساس می‌شود و به نظر لازم است که در بانک مرکزی یک شورای شریعت به وجود آید. البته من پیشنهاد داشتم که باید یک فقیه آشنا به مسائل پولی و اقتصادی هم در شورای پول و اعتبار حضور داشته باشد تا اتقان شرعی در مصوبات این شورا هم ایجاد شود. البته همین فقیه می‌تواند در رأس یک شورای شریعت قرار بگیرد. در کشور ما این شورا می‌تواند سه نقش اساسی را بر عهده داشته باشد: اول نظارت شرعی بر قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، دوم بررسی فقهی قوانین و ابزارهای کشورهای دیگر جهت به‌کارگیری آنها در نظام بانکداری کشور و سوم، که بیشتر ناظر به خود بانک‌هاست، استقرار بعد نظارت و مراقبت که قراردادهای بانکی را به‌طور تصادفی مورد بررسی قرار داده و در صورت مشاهده تخلف، با متخلفان برخورد مقتضی را داشته باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های قانونی در مورد عقود مبادله‌ای، مشاهده شد که گرایش زیادی به سمت عقود مشارکتی وجود دارد. اما با نگاه دقیق‌تر متوجه می‌شویم که در این بین، نوعی صوری‌سازی اتفاق افتاده و باطن قراردادهای بانکی همان عقود مبادله‌ای است که در اسم عقود مشارکتی ظاهر شده‌اند. به نظر شما طرح تحول نظام بانکی برای رفع این مشکل چه اقدام مؤثری می‌تواند انجام دهد؟

بله متأسفانه این صوری‌سازی اتفاق افتاده است. به نظر، مهم‌ترین اقدام برای رفع این مشکل، اصلاح ذهنیت مدیران بانکی است. مدیریت بانکی باید قبول کند که بین عقود مبادله‌ای و مشارکتی، از لحاظ کارکرد و اثرات، تفاوت عمده‌ای وجود دارد. سود قطعی و از پیش تعیین‌شده تنها برای عقود مبادله‌ای است و اگر هم در عقود مشارکتی

ما وظیفه داریم در کنار نظام بانکداری متعارف، مسائل بانکداری اسلامی را هم به بهترین نحو، به دانشجویان آموزش دهیم

در این موضوع جدی می‌بینم. ان شاء الله در آینده شاهد پیشرفت‌های درخشانی در نظام بانکداری کشور باشیم.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- «نتایج بررسی دسترسی خانوارها به خدمات مالی در مناطق شهری ایران سال ۱۳۸۷»، بانک مرکزی ج.ا.ا، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمار اقتصادی، دایره بررسی بودجه خانوار، آبان ماه ۱۳۸۹.

۲- غلامرضا مصباحی مقدم (۱۳۸۳). مجموعه مقالات اقتصادی؛ مباحثی درباره پول و بانکداری اسلامی، ارزش - کار، توسعه اقتصادی و اقتصاد ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۱۲۷-۱۵۲.

متأسفانه نظام بانکی ما به بهانه وجود شورای نگهبان، خود را از داشتن شورای شریعت مستغنی می‌داند

نرخ تعیین می‌شود تنها یک نرخ انتظاری و موقت است و پس از اتمام فرآیند مشارکت، نرخ نهایی مشخص و سهم‌الشرکه هر طرف توزیع می‌شود. اینکه در مشارکت نرخ از قبل تعیین شود و همان نیز نهایی باشد نه تنها ماهیت عقود را مختل کرده بلکه منافع خود بانک‌ها را نیز تهدید می‌کند، زیرا ممکن است سود پروژه بالاتر از حدی شود که در آغاز تعیین شده است و این به معنای ضرر و زیان برای بانک می‌باشد. مورد دوم در کنار اصلاح ذهنیت، مقوله نظارت است. باید یک نظارت قوی برای پروژه‌های مشارکتی بزرگ وجود داشته باشد؛ برای پروژه‌های کوچک هم می‌توان نظارت را به صورت تصادفی مدنظر قرار داد، که اگر تخلفی صورت گرفت با متخلفین آن با قاطعیت برخورد شود. علاوه بر دو مورد فوق، مورد سوم می‌تواند اصلاح آیین‌نامه‌ها و مقررات نظام بانکی با مطالعه تجربه و دستاوردهای دیگر کشورها باشد، که مسأله بسیار مهمی است.

عده‌ای از کارشناسان معتقدند هزینه‌های اجرای قراردادهای مبتنی بر عقود مشارکتی نسبت به منافع آن زیاد است. نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

منافع اقتصادی مشارکت به مراتب بیشتر از هزینه‌های آن است. ما نباید به صرف وجود هزینه، ریسک را به طور کامل از نظام بانکی حذف کنیم، ریسک، جزئی از اقتصاد است و باید به جای حذف، آن را مدیریت کنیم. بدیهی است هر جا ریسک بالاتر باشد، سودآوری بیشتر است و هر جا ریسک کمتر باشد، سودآوری پایین‌تر خواهد بود. اصلاً مگر می‌شود ریسک را از بخش واقعی اقتصاد حذف کرد؟ پس نباید در بخش بانکی نیز، به دنبال حذف ریسک باشیم. امروزه مشارکت در اقتصادهای جهانی موفقیت‌های زیادی کسب کرده است. نباید از مشارکت ترسید بلکه بایستی با بهره‌گیری از تجربه‌های کشورهای دیگر سهم مشارکت واقعی را در نظام بانکی کشور ارتقا بخشیم.

در مجموع، تحول نظام بانکی یک نیاز اساسی برای کشور است و پیمودن این راه به یک عزم ملی و همگانی نیاز دارد و بایستی از آموزش بانکداری گرفته تا ساختارها و قوانین، همگی مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند. بنده عزم عمومی دولت، مجلس و نظام بانکی را